

خدای خوبِ منهن

[نمایشنامه]

اینگبرگ باخمن

مترجم:

مجید عباسیان



۱۳۹۰

باخمن. اینگیبورگ. ۱۹۲۶ - ۱۹۷۳ م. Bachmann, Ingeborg

سرشناسه:

خدای خوب منتهن: نمایشنامه. اینگیبرگ باخمن. مترجم مجید عباسیان.

عنوان و نام پدیدآور:

تهران: افراز. ۱۳۹۰.

مشخصات نشر:

۱۲۸ ص.

مشخصات ظاهری:

۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۳۹۹-۵

شابک:

فیبا

وضعیت فهرست‌نویسی:

نمایشنامه‌ی آلمانی — قرن ۲۰ م.

موضوع:

عباسیان، مجید، ۱۳۴۸-، مترجم

شناسه‌ی افزوده:

۱۳۸۹ خ ۴ / الف ۳۵ / PT ۲۶۶۴

رده‌بندی کنگره:

۸۳۳/۹۱۴

رده‌بندی دیویی:

۲۱۱۳۷۵۰

شماره‌ی کتابشناسی ملی:



انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی آثار و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی و فروش، فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، بن‌بست افشار، پلاک ۱، واحد ۵.

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

خدای خوب منهن

اینگبرگ باخمن

مترجم: مجید عباسیان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

طراحی جلد و آرایش صفحات: یاسین محمدی / آتیه افراز

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / یکتا

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۳۳۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی.

از جمله چاپ، فتوکپی و انتشار الکترونیک نیست.

هرگونه بازتولید اثر به شکل فیلم، نمایش و صدا بسته به مجوز مکتوب مترجم است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۹	 به جای یک پیشگفتار
۱۱	 خدای خوب منهن
۱۰۵	 حقیقت برای انسان قابل تحمل است
۱۰۹	 در ازای یک زندگی نامه
۱۱۵	 توضیحات
۱۱۹	 لوحه‌ی زمان

به جای یک پیشگفتار

هر چیزی زمانی دارد. پیروی زمانی دارد. جوانی زمانی دارد. زمان کودکی کوتاه است. زمانی هست برای بازی، زمانی هست برای کار، برای خواب زمانی هست و برای بیدار شدن نیز. زمان عشق اما «زمان متضاد» است. آنتی تایم.

عشق از زبان ساعت‌ها هیچ پویی نبرده - گنک تقویم را ورق می‌زند و در حسرت ابدیت می‌سوزد.

عشق در ابعاد زمان از تضاد به جاودانگی چنگ می‌اندازد. هگل در دائره‌المعارف علوم فلسفی تحت پیوست فصل «زمان» می‌گوید: «تنها اکنون هست. پس و پیش نیستند. ولیکن زمان حال عینی نتیجه‌ی گذشته و آستن از آینده است. معهذا زمان حاضر حقیقی خود جاودانگی است.»

ابدیت یعنی زمان حال.

عشق به ابدیت زمان حال ایمان دارد.

زمان دنیا اما زمانی است یکنواخت؛ تکراری است با دقتی کُشنده.

در عشق زمان دنیا زوال خویش را می‌بیند و هرج و مرج.

هرج و مرجی که در تصاویر اساطیر، پیش از خلقت حاکم بوده است.

گویی عشق خاطره‌ای است از ماقبل دنیا. عطر فریبنده‌اش مژده‌ی آزادی است و از این رو به این دنیا تعلق ندارد؛ نه به این دنیا، نه به زمان این دنیا. همچون شخصیتی در این تئاتر که هم اکنون پیش رو دارید: «دختری جوان از دنیای جدید»، محکوم به مرگ.

از عشق و از سرنوشت آن در ادبیات بسیار سروده شده است. چنان‌که اینگبرگ باخمن خود نیز در این اثر چند نمونه‌ی مشهور را نام می‌برد. اما «خدای خوب منهن» فقط یک داستان عشقی دیگر نیست. «در درام‌های عشقی بزرگ مانند رومئو و ژولیت یا تریستان و ایزولد مشکلات خارجی باعث نابودی جفت‌های عاشق هستند. قصد من این بود که این «مشکلات خارجی» را به کنار بزنم و نمایان سازم که در پس پرده چیز دیگری نیز هست، قدرتی که من در قالب شخصیتی خدای خوب، گنجانده‌ام»^۱

روزهای سخت‌تری در راه‌اند،

بر افق،

زمان اجل گردیده

تحت فسخ،

پدیدار می‌شود.^۲

مجید عباسیان

۱. اینگبرگ باخمن در مصاحبه‌ای با هارالد گِرَس، اول ماه مه ۱۹۶۵

۲. سطور نخستین شعر «زمان اجل گردیده» از اینگبرگ باخمن.